



رابطه دین و محبت این همانی است/ محبت با پشت کردن به خدا و دین بدست نمی آید

یک پژوهشگر حوزه عرفان و فلسفه اسلامی با اشاره به آثار دهگانه محبت؛ دین و محبت را مصداقا یکی خواند و گفت...

یک پژوهشگر حوزه عرفان و فلسفه اسلامی با اشاره به آثار دهگانه محبت؛ دین و محبت را مصداقا یکی خواند و گفت: با رویکرد ماده گرایانه نمی شود آدرس محبت را گرفت و از پشت کردن به خدا و دیانت محبت بر نمی خیزد. حجت الاسلام بهرام دلیر نقده ای عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفتگو با خبرنگار مهر درباره رابطه دین و محبت و تأثیر و تأثر این دو از یکدیگر گفت: در رابطه بین دین و محبت از لسان روایات برمی آید که اصلا دین همان محبت است «هل الدین الا الحب؛ فلذا دین تهی از محبت، دین نیست و محبت تهی از دین، محبت نیست. لذا پیامبر مکرّم اسلام (ص) برای اهل بیتش مودت و محبت را می خواهد و در بحثهای قرآن کریم و ادبیات عرفانی وقتی محبت اوج می گیرد سر از عشق در می آورد.

وی با اشاره به اینکه دین صاحبی به نام پروردگار عالم دارد که شارع مقدس است و شریعت به ذات پرودگار عالم برمی گردد ولو اینکه بیان و تبیین آن را در مباحث فقهی پیامبر مکرّم اسلام (ص) می خوانند، تأکید کرد: آثار محبت با مباحث پرودگار عالم گره خورده است و اولین اثر محبت ایثار محبوب بر همه چیز است؛ یعنی هرچه هست محبوب است و ماسوای او هیچ چیز نیست حتی خود انسان و به قول حافظ که "خود حجابی حافظ از میان برخیز". یعنی در محبت محبوب دیگر خودی باقی نمی ماند.

این پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی با بیان اینکه دومین اثر محبت، اطاعت محبوب است، افزود: وقتی محبت هست من به جز محبوب اطاعت کسی را نمی کنم؛ محبوب کیست؟ همان صاحب شریعت و دین است و همانطور که خداوند خالق هستی است مبقی هستی هم است؛ در بحثهای فلسفی می خوانیم «لا مؤثر فی الوجود الا الله؛ یا در ادعیه می خوانیم «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم؛ یا در نماز «بحول الله و قوته اقوم و اقعده؛ یعنی نشست و برخاستن ما به کمک پرودگار عالم است. خود اطاعت محبوب در آیات و روایات بحث مفصلی است.

حجت الاسلام دلیر با تأکید بر اینکه محبت خود دین است و دین همان محبت است و یکی منهای دیگری؛ کلمه و معنای مهمل و بی معنایی خواهند بود، افزود: سومین اثر محبت؛ رضای محبوب است و اگر محبت باشد؛ فرد به جز رضای محبوب به چیزی نمی اندیشد فلذا حسین بن علی (ع) در گودال قتلگاه می فرماید: خدایا راضی ام به رضای تو و تسلیمم به قضای تو یعنی هر چه هست خداست.

وی تصریح کرد: چهارمین اثر محبت؛ شوق لقای محبوب است و حتی در عشقهای مجازی نیز چنین است که عاشق همواره شایق است که محبوب یا محبوبه خود را ببیند و اگر محبت واقعی باشد؛ شوق لقای محبوب را همواره در دل و سر می پروراند و قفس دنیا خیلی برایش کوچک است و می خواهد خود را از این قفس براهند. اثر پنجم محبت «حب فی الله؛ است؛ اینکه من نوعی خوبان را دوست دارم به خاطر این است که به خدا وصل هستند. ما امیرالمؤمنین(ع) و یا پیامبر اکرم(ص) را دوست داریم نه تنها به خاطر شخص شخیص آنها بلکه به خاطر گره ای است که با پروردگار خورده اند و بنده خوب خداوند هستند؛ در نماز می خوانیم «اشهد ان محمد عبده و رسوله؛ یعنی عبودیت مقدم بر رسالت است.

این پژوهشگر حوزه عرفان و فلسفه تأکید کرد: پس محبتی که در سایه دین است و یا خود دین است؛ حب فی الله و بغض فی الله دارد؛ در زیارت عاشورا می خوانیم حسین جان دوستان را دوست می دارم و دشمنان را دشمن می دارم؛ «انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم؛ وقتی با امام حسین(ع) چنین هستیم در مورد خداوند به طریق اولی است یعنی خداوند دوستان را دوست دارم و دشمنان را دشمن می دارم.

حجت الاسلام دلیر افزود: ششمین اثر محبت؛ بغض است؛ در حب و بغض محور خداست و اثر هفتم محبت؛ ذکر دائم محبوب است. اگر ما واقعا محبت پروردگار عالم داریم باید «المؤمن کثیر الذکر و قليل الکلام؛ باشیم. و اثر هشتم محبت، فراق از هر غم و شادی است؛ که در دیوان اشعار فارسی و عرفانی فراروان می بینیم. اثر نهم محبت این است که همیشه آدم با محبت خوف فراق و هجران دارد؛ مبدا جدایی، مبدا هجران و مبدا دوری لذا امیرالمؤمنین(ع) در دعای کمیل می فرماید «الهی اصبر علی حر نارك و فکیف اصبر علی فراقک؛ محبت دینی این محبت است و دهمین اثر محبت صدق و وفا است یعنی صادقانه در بندگی و محبت گام برداشتن و انسان با محبت باوفا هم هست.

عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی تأکید کرد: دین و محبت دو امر جدای یکدیگر نیستند؛ با اینکه از نظر مفهومی و مباحث لغوی متفاوت هستند اما مصداقا دین و محبت یکی هستند و در روایات بسیار نسبت به این مسئله تأکید شده است لذا در رابطه دین و محبت باید گفت که این همانی و آن همینی است. یعنی دین همان محبت است و محبت همان دین است

اما با آثاری که بدان پرداختم؛ محبتی که محورش پروردگار عالم است و دین و آئینی که محورش پروردگار عالم است؛ والا مکتبهای بشری و آن چیزهایی که مدعیان دین در طول تاریخ ادعا کردند، مراد ما نیست بلکه مراد ما آن دینی است که به صورت وحی بر قلب نازنین پیامبر مکرم اسلام(ص) نازل شده است و آن اسلام خاتم الادیان و خاتم الرسل و خاتم الکتب است و این دین با محبت تضاد و تناقض ندارد و در مصداق بین دین و محبت یگانگی وجود دارد.

وی در مورد جایگاه محبت در جوامع غیردینی نیز گفت: چه بسا سرچشمه محبت در جوامع بشری احساسات باشد؛ مثلاً در بحث منطق اگر به منطق پوزیتیویستی روی آورید و یا با منطق پراگماتیستی دنبال معرفت افتادید و در مباحث عقلی، عقل را در عقل ابزاری نگه داشتید و بیش از آن جلو نرفت، دیگر از عقل ابزاری و عقل مادی و عقل احساسی و عقل این دنیایی دیگر نمی توان محبت انتظار داشت. گاو هم نسبت به گوساله خود غریزه ای دارد و خیلی از محبتها ریشه غریزی و احساسی دارند این محبت دیگر سر از عشق در نمی آوردند اما آن محبتی که بدان پرداختم اوجش می شود عشق.

حجت الاسلام دلیر افزود: در جوامع دیگری هم محبت هست اما گاهی انگیزه ثروت است. به ظاهر فدوی است و می گوید فدایت شوم اما ریشه در انگیزه های مالی، جمالی، مقامی و ... دارند فلذا آن محبت درّ گرانبها که اشاره کردم و آثار دهگانه آن را برشمردم، در جوامع مادی پیدا نمی شوند یعنی با رویکرد ماده گرایانه نمی شود آدرس محبت را گرفت.

این پژوهشگر حوزه عرفان و فلسفه اسلامی در پایان تأکید کرد: لذا در رمانهای غربی که با رویکردهای لائیک و غیرخدایی نوشته شده است غالباً یکی رفته شیفته یکی شده است اما این شیفتگی ها غالباً حیوانی است نه شیفتگی های الهی؛ محبت الهی در آنجا دیده نمی شود کما اینکه آثارشان این مسئله را تأیید می کند. در این نوع محبت آن آثار دهگانه وجود ندارد فلذا با پشت کردن به خدا و دیانت محبت بر نمی خیزد؛ چه بسا ظاهری محبت آمیز وجود داشته باشد اما ممکن است لایه های زیرینش زهرآگین است مثلاً فرد به دنبال ثروت یا کامروایی و یا به دست آوردن مقام و کسب آرا و شهرت و غیره است اما آن محبتی که عرفای مسلمان و آن محبتی که در کتب دینی ما از جمله قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه آمده به طور قطع در جوامع مادی پیدا نمی شود.